

آسیب های کاهش جمعیت در ایران

روزگاری نه چندان دور، شعارهایی در سطح شهر و گاهاً از زبان برخی از جامعه شناسان و مسئولین برخی از ارگان ها به گوش می رسید که: "فرزند کمتر، زندگی بهتر" اما هیچ کس فکر نمی کرد که این شعار در فاز عمل، آن هم کارشناسی نشده و بنابر هیچ یک از اصول منطق با نیازهای مردم شناسی، جامعه شناسی و فرهنگی کشور، چه نتایجی را در بر خواهد داشت.

تغییرات در شیوه زندگی، ماشینی شدن جوامع و مشکلات اقتصادی سبب افزایش تعداد خانواده های تک فرزند و کاهش نرخ رشد جمعیت و به دنبال آن دغدغه و نگرانی والدین از نحوه رشد کودک و کارشناسان حوزه علوم اجتماعی از تبعات ناشی از تحولات جمعیتی در جامعه است.

امروزه با بالا رفتن سن ازدواج، رواج «تک فرزندی» در کشور را نیز شاهد هستیم و آمارها نیز حاکی از افزایش خانواده های دارای یک فرزند است. بیشتر افراد بعد از اتمام تحصیلات تکمیلی و در واپسین سال های جوانی ازدواج می کنند و پس از سپری کردن دوران عقد و بعد از تولد اولین فرزند؛ بنا به دلایلی از جمله نداشتن وقت برای تربیت فرزند و ... به داشتن یک فرزند قناعت می کنند. از سویی دیگر، رونق زندگی ماشینی، وضعیت سخت اقتصادی زوج های جوان، اشتغال زنان در خارج از خانه، ادامه تحصیل بانوان در مقاطع بالای تحصیلی و اشرافیت طلبی!! ... دلایلی مضاعف بر آن شد تا زوج های جوان به داشتن تنها یک فرزند در زندگی خود بسنده کنند.

در عصر ماشینی امروز، اشتغال والدین، افزایش هزینه ها و تبلیغاتی که به منظور ترویج سیاست تک فرزندی انجام می گیرد، از مهم ترین عوامل کاهش میزان زادوولد و تمایل زوجین برای داشتن یک فرزند بوده و پیش بینی می شود در سال های آتی افراد در جوامع مختلف قادر به درک عاطفی مفاهیم واژگانی مانند عمو، خاله، عمه و دایی نباشند.

آمارها نشان می دهند، بیش از ۲۰ تا ۲۵ درصد از زنان ۴۰ تا ۴۵ ساله در دنیای امروز، یک فرزند دارند و این آمار خیر از افزایش چشمگیر خانواده های تک فرزند در مقایسه با گذشته می دهد.

کارشناسان اجتماعی از دو منظر پدیده «تک فرزندی» را بررسی می کنند.

۱) تک فرزند بودن چه تأثیرات سوئی می تواند در شخصیت کودک داشته باشد حال آن که برخی والدین به اشتباه تصور می کنند، در صورت داشتن تنها یک فرزند می توانند آینده بهتری را برای او ترسیم کنند.

۲) به هم خوردن ساختار جمعیتی کشور در سال های آینده است. تا جایی که با کاهش باروری به ۱/۸ درصد و نرخ رشد جمعیت به ۱/۴ درصد از سال گذشته، کشور را وارد جمعیت میانسالی کرده است. بطوری که ۷/۳ درصد جامعه را جمعیت سالمند بالای ۶۰ سال تشکیل می دهند و تا ۴۰ سال آینده ۲۱ درصد جمعیت کشور را سالمندان تشکیل خواهند داد. اتفاقی که می تواند در چند دهه ی آینده برای کشور معضلاتی جهت تأمین نیروی انسانی جوان، هزینه های هنگفت درمانی و ... در بر داشته باشد. عوامل پدیده تک فرزندی در ایران:

پدیده تک فرزندی در کشور ما معلول عواملی می باشد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) عوض شدن الگوهای مراقبتی کودکان: به عنوان مثال قبلاً وقتی بچه به دنیا می آمد، والدین به بحث آموزش، تغذیه و درمان او اهمیت نمی دادند، اما الان الگوها عوض شده و آموزش و حتی بزرگ کردن بچه ها سخت شده است. بنابر این خانواده ها به سراغ بچه دوم نمی روند.

۲) تبدیل خانواده از گسترده به هسته ای: در قدیم خاله، عمه، خواهر و ... همه در یک خانواده زندگی می کردند و این ها در بزرگ شدن بچه به هم کمک می کردند اما تبدیل خانواده به هسته ای، سختی بزرگ کردن بچه ها بر دوش پدر و مادر است.

۳) اشتغال زنان: در گذشته زنان در بیرون از خانه کار نمی کردند ولی امروزه بیش از نیمی از زنان در بازار کار، فعال اند و نسبت به گذشته، وقت زیادی را در خارج از خانه می گذرانند و وقت کم تری برای تربیت و پرورش کودک در خانه دارند.

۴) مهم ترین عامل این است که خانواده ها می خواهند خوب زندگی کنند. یعنی رفاه طلب شده اند، بنابر این کمتر زیر بار بچه داری می روند.

۵) هزینه های پرورش کودک، سرسام آور است. تأمین هزینه ی غذا، لباس، مدرسه، پزشکی و... برای بیش تر خانواده ها مشکل ساز شده و خانواده های زیادی در مدیریت زندگی و معیشت روزانه ی خود، وامانده اند.

۶) امید به زندگی، بالا رفته و احتمال زنده ماندن کودک، بسیار افزایش یافته است.

۷) اعتقاد به اینکه داشتن یک یا چند فرزند مهم نیست؛ مهم این است که چطور فرزند یا فرزندان را تربیت کنیم.

معایب تک فرزندی

۱- احساس تنهایی: شما وقتی در جمع بچه ها قرار می گیرید و کسی هم سن و سال خود پیدا نمی کنید احساس تنهایی می کنید بچه ها همین طور هستند، وقتی در جمعی قرار می گیرید که هم سن و سال خود را در آن پیدا نمی کنند خیلی زود خسته می شوند. احساس تنهایی اگر برای بزرگترها قابل تحمل باشد برای بچه ها قابل تحمل نیست. بچه ها برای رها شدن از احساس تنهایی کارهایی انجام می دهند که از نظر تربیتی خطرناک است یکی از آنها رفیق شدن با تلویزیون و بازی های رایانه ای و یا به تعبیر دیگر معتاد شدن به این هاست. آنها در مواجه با مشکلات و تنش های موجود در جامعه ای بزرگ تر از خانواده خود که در آن فرمانروایی می کند؛ ناتوان و آسیب پذیراند. تک فرزند خانواده که اغلب تنهاست در فقدان خواهر و برادری که با او هم صحبت شده تا خود، مشکلات، استعدادها و چالش های بیش رویش را بشناسد در پیدا کردن جایگاه واقعی اش در جامعه دچار مشکل است.

۲- لوس شدن: تک فرزندها تمام توجه و محبت مادی و معنوی پدر و مادر را به خود جلب می کنند و همین هم موجب می شود لوس و پرتوقع بار بیابند.

۳- از دست دادن استقلال شخصیت: بسیاری از افرادی که در خانواده های پر جمعیت بزرگ شده اند انسان های مستقلی هستند که در که در زندگی به دیگران اتکا نمی کنند. آن ها در محیط پر جمعیت خانواده متوجه می شوند هر کسی باید گلیم خود را از آب بیرون بکشد و خانواده تنها در اندازه ی یک زمینه ساز می تواند کمک کارشان باشد؛ از همین رو تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا بتوانند با بیشترین استفاده از استعدادها و امکانات، به بالاترین نقاط کمال برسند؛ اما تک فرزندها نسبت به این ها انگیزه ی کمتری برای تلاش دارند؛ زیرا تمام امکانات خانواده در اختیار آن ها قرار دارد. از همین رو به شدت وابسته به خانواده بار آمده و استقلال شخصیت خود را از دست می دهند. در خانواده های تک فرزند تمام محبت والدین روی یک فرزند متمرکز می شود که این باعث می شود بچه شخصیت وابسته ای پیدا کند. این بچه در سنین بزرگ سالی تبدیل به یک موجود متوقّف و زیاده خواه می شود که انتظار دارد همه در خدمت او باشند.

۴- ضعف داشتن در به کارگیری قانون زندگی: برخی چه اندازه راحت با مسئله ی چند فرزندی برخورد می کنند؛ به راحتی دعوی بچه ها را دلیل ظلم شدن به بچه ها در خانواده های پر جمعیت به حساب آورده د حکم به تک فرزندی و فاصله ی زیاد میان بچه ها می کنند. ما نمی خواهیم بگوییم هر دعوی که میان بچه ها رخ می دهد خوب است. اما در کل رقابتی که میان بچه ها در خانواده های پر جمعیت وجود دارد، آموزشی کارگاهی برای یاد گرفتن تعاملات اجتماعی است. بچه ها وقتی با هم دعوا می کنند یاد می گیرند که چگونه حششان را بگیرند؛ البته همین دعوا های معمولی، ما بزرگ ترها هم وقتی بچه بودیم با برادر و خواهرمان داشتیم؛ اما حالا حوصله مان کم شده و تحمل دعوی بچه های خودمان را نداریم. یکی از حسن های دعواهای طبیعی آن است که بچه ها با خشونت و تندی به صورت طبیعی آشنا شده و وقتی در جامعه با برخورد های خشن مواجه می شوند به این راحتی عقب نمی کشند. این دعوا مثل واکسن است. واکسن، میکرب ضعیف شده ای است که بدن با آن مبارزه می کند تا اگر میکرب حقیقی وارد بدن شد، بتواند به راحتی با آن مبارزه کند. بسیاری از تک فرزند ها در رقابت های اجتماعی به شدت آسیب پذیرند؛ زیرا آن ها پیش از آن، نه تنها رقابت نکرده اند؛ بلکه همیشه بدون آن که زحمتی بکشند در کانون توجهات بوده اند. کودکان تک فرزند، در خانواده هایی پرورش پیدا می کنند که امکان برقراری ارتباط و سبک مهارت های زندگی از طریق گروه های همسال یا افرادی با اختلاف سنی کم، وجود نداشته و کودکان تجربه آشنایی کمتری با مفاهیمی مانند حسادت، رقابت و دوستی پیدا می کنند. در اکثر

خانواده های تک فرزند، روش های غلط تربیتی والدین، هوش هیجانی کودک را دستخوش آسیب کرده و حمایت افراطی پدر و مادر باعث کاهش بازدهی و بهره برداری در آینده به رغم قابلیت و استعدادهای فردی بالای آنها می شود.

۵- اضطراب شدید پدر و مادر: به صورت طبیعی والدینی که تنها یک فرزند دارند، تمام علاقه ی خودشان را به فرزند، در همین یک فرزند خلاصه می کنند. این والدین به هنگام بیماری فرزند به شدت دچار اضطراب می شوند. مرگ یک واقعیت

است. ما در جامعه ای زندگی می کنیم که تنها در سوانح رانندگی جاده ای روزانه بیش از ۵۰ نفر از دنیا می روند. اگر تک فرزند یک خانواده در سن بیست سالگی از دنیا برود، چه اتفاقی برای والدین می افتد؟ فرض کنید پدر در بیست و هفت سالگی و مادر در بیست سالگی ازدواج کرده اند. این ها پنج سال پس از ازدواج صاحب فرزند می شوند؛ یعنی در هنگام تولد فرزند، پدر سی و دو سال و مادر سی سال دارد. فرزند وقتی به سن بیست سالگی می رسد، پدر پنجاه و دو سال و مادر پنجاه سال دارد. اگر این فرزند بر اثر حادثه ای از دنیا برود، با توجه به این که فرزندی جز این هم ندارند، پدر و مادر باید باقی عمر خود را به تنهایی و بدون هیچ فرزند دیگری طی کنند. ما نمی خواهیم بگوییم داغ فرزند برای کسانی که چند فرزند دارند سبک تر است؛ اما نمی توان این حقیقت را انکار کرد که زندگی پس از مرگ یک فرزند برای خانواده ی تک فرزند بسیار سخت تر از خانواده هایی است که چند فرزند دارند.

۶- از بین رفتن نسل عمو و عمه و دایی و خاله: از بین رفتن نسل عمو و عمه و دایی و خاله از خطرات تک فرزندی است. اگر همین طور پیش برویم طبق پیش بینی ها حداکثر تا حدود پنجاه سال دیگر در ایران نسل عمو و عمه و دایی و خاله برچیده خواهد شد. و با برچیده شدن نسل عمو و عمه و دایی و خاله، بچه ها بی ریشه و بی هویت می شوند. چون به هر حال یک مقدار زیادی از هویت خود را از فامیل و خانواده کسب می کنند.

۷- خلأ عاطفی: رابطه ی عاطفی با برادر و خواهر یک نیاز است. تک فرزند ها به جهت نداشتن چنین رابطه ی عاطفی، مستعد مشکلات روحی هستند؛ مثل وابستگی های افراطی به دیگران.

۸- اضطراب و فشار در نگه داری والدین: بچه های تک فرزند برای نگه داری پدران و مادرانشان دچار اضطرابند؛ زیرا به هنگام پیری، نگه داری از پدر و مادر به عهده ی تک فرزند است و جمع میان کار و زندگی شخصی با نگه داری پدر و مادر به این راحتی ها نیست.

۹- تک فرزندی و نداشتن رقیب: یکی از معایب تک فرزند بودن، تأثیر آن بر مراحل رشد کودک است. این کودکان کسی را ندارند تا با او رقابت یا بازی کنند و یا دعوا کنند. بنابراین دوست و همدمی در منزل ندارند و نمی توانند برخی از احساسات را تجربه کنند و در نتیجه فرصتی را هم برای کنترل و مدیریت این شرایط نخواهند یافت.

بلوغ روحی و روانی مواردی هم چون شناخت خود، میزان واقع بینی و انتخاب موثر را شامل می شود که به راحتی به دست نمی آید و باید با تجربه های سخت و طاقت فرسا توأم باشد. اما کودکی که تک فرزند است، کمتر با مشکلات مواجه می شود و در معرض تجربه کردن، شکست، ناکامی و رانده شدن و دیگر تجربیات قرار نمی گیرد و در نتیجه شرایطی را که لازمه بلوغ روحی و روانی است را تجربه نمی کند. اگر والدین مراقبتی افراطی از تک فرزند خود داشته باشند و او را به فردی ضعیف و کم تحمل تبدیل کنند، فرزندشان از آن ها انتظار دارد با او چنین رفتاری داشته باشند که این موضوع ناتوانی او را شدن خواهد بخشید.

۱۰- تک فرزندی و فرزند سالاری: فرزند سالاری تا حدود زیادی حاصل پدیده تک فرزندی است، در چنین خانواده هایی بچه می خواهد حرف و عمل او در خانواده حاکم باشد و این در فرهنگ ما که احترام به بزرگتر را در راس تمام رفتارهای اجتماعی اش میداند، مطلوب نیست و می تواند زمینه ساز بسیاری از آسیب های اجتماعی مانند طلاق، اعتیاد، خودکشی، فرار از خانه و دیگر معضلات شود. باید توجه داشت حمایت بیش از حد والدین در این خانواده ها ممکن است باعث متوقع شدن کودک و خواسته های نابجای وی از دیگران شود. احتمال به هم خوردن هرم قدرت در خانواده های رایج جامعه امروز، وجود داشته و بطور قطع ترویج فرزند سالاری به نفع والدین و کودک نخواهد بود.

۱۱- تک فرزندی و فشارهای روحی: تک فرزندان نمی توانند ناامیدی ها و فشارهای روحی را تحمل کنند. چنانچه توهینی به آنها شود، بی آن که قصد و غرضی در کار باشد این توهین را رفتاری عمدی و به پشتوانه نییتی خاص تفسیر می کنند. چنانچه از مسئله ای رنجیده خاطر شوند این حالت را تا مدت های مدید در درون خود زنده نگاه می دارند. آنها فقط به برقراری روابطی علاقه مندند که دربرگیرنده منافع آنان باشد و احساساتشان را نیز جریحه دار نکنند. آنها ممکن است ناراحتی های خود را برای دیگران بیان نکنند و فردی درون گرا شوند. ممکن است تبحر لازم را نداشته باشند تا بتوانند دعوای خود را با دیگران به گونه ای مدیریت کنند که در نهایت هر دو طرف راضی شوند. این نوع احساسات ناپخته معمولاً با تجربه هایی که فرد در زندگی خود کسب می کند، درمان می شود؛ فردی که تنها فرزند خانواده اش بود می گوید: سال ها طول کشید تا دریافتم رفتار والدینم با من مناسب نبوده است. آنها به شدت از من حمایت کردند. تمام خواسته هایم را تأمین می کردند. به همین دلیل نتوانستم میزان تحمل را در دست نیافتن به خواسته هایم تقویت کنم. اکنون دریافته ام که ناراحت و ناامید شدن بخشی از مشکلات دوران رشد کودک است و کودک نیاز دارد چنین احساساتی را تجربه کند. اگرچه کودکان تک فرزند اجتماعی تر از دیگر کودکان به نظر می رسند

و اعتماد به نفس بیشتری در برقراری ارتباط با بزرگسالان دارند، اما به دلیل احساسات ناپخته خود ممکن است از همبازی های خود خجالت بکشند و ترجیح دهند با کودکان بزرگتر از خود دوست شوند.

۱۲- تک فرزندی و بلوغ روحی و روانی: بلوغ روحی و روانی، پدیده ای کاملاً ارثی نیست بلکه اکتسابی است. این بلوغ مواردی همچون شناخت خود، میزان واقع بینی و انتخاب مؤثر را شامل می شود و به راحتی به دست نمی آید، بلکه به تجربه هایی سخت و طاقت فرسا نیاز دارد. کودکی که تک فرزند خانواده است کمتر با مشکلات مواجه می شود و در معرض تجربه کردن شکست، ناکامی، رانده شدن و... قرار نمی گیرد و شرایطی را که لازمه بلوغ روحی، روانی است، تجربه نمی کند. اگر والدین، مراقبتی افراطی از تک فرزند خود به عمل آورند و او را به فردی ضعیف و کم تحمل تبدیل کنند، فرزندشان از دیگران نیز انتظار خواهد داشت با او چنین رفتاری داشته باشند که این موضوع ناتوانی او را شدت خواهد بخشید. اگر والدین اجازه ندهند فرزندشان با احساسات سخت و ناراحت کننده رو به رو شوند یا امکان آشکار کردن این نوع احساسات را برای او فراهم نکنند، تحمل وی را برابر این نوع احساسات ضعیف خواهند کرد. تمایل والدین به حمایت از تنها فرزندشان، مانع از آن می شود که فرزندشان عواقب اشتباهات خود را بیاماید و مسئولیت عمل خود را بپذیرد. آنها هیچ گاه در مقام انتقاد از فرزندشان بر نمی آیند، با او مخالفت نمی کنند و همواره تسلیم خواسته های او می شوند تا از این طریق مانع ناراحت شدن او شوند. این والدین می گویند: فرزندمان هم مثل ما دوست ندارد ناراحت شود؛ بنابراین با هم معامله می کنیم تا هیچ یک از ما آزار نبیند. حمایت بیش از حد این والدین، فرزند را با روحیه حساس و ضعیف تربیت می کند. هرچه حمایت آنها از تنها فرزندشان بیشتر شود، قدرت و تحمل وی در رویارویی با مشکلات کاهش می یابد و از این رو بسیار شکننده و آسیب پذیر می شوند. در چنین روابط حساس و پر اضطرابی است که تک فرزند از آزمودن احساساتی که در روابط بین خواهر و برادر شکل می گیرد، محروم می ماند: مسابقه برای چیرگی یافتن بر دیگران، رقابت با خواهر یا برادر در جلب رضایت والدین، مسخره کردن دیگران برای تحقیر آنها، توهین به دیگران برای اثبات برتری خود، درگیری برای کسب حق تقدم و بهره مندی بیشتر از مزایا، درددل کردن با خواهر یا برادر، مشاجره درباره اختلاف و تبعیضی که بین او و خواهر یا برادرش وجود دارد، درگیری با خواهر یا برادر برای تسکین فشارهای روحی، دفاع از منافع شخصی در ارتباط با دیگران. در خانواده های تک فرزند، والدین و فرزندان هر دو احساس می کنند نیاز شدیدی به یکدیگر دارند. پس ناگزیر به مراعات یکدیگر هستند، ولی خانواده های چند فرزندی چنین نیستند، دعوای مکرر، جریحه دار شدن احساسات و عصبانیت در خانواده های چند فرزندی رایج است و کودکان معمولاً برای کنترل این احساسات راهی مناسب می یابند و بار دیگر با هم بازی می کنند.

۱۳- تک فرزند و آمل و آرزو های والدین: یکی از روش های تربیتی غلط، اعمال فشار برای پیروی از الگوهای افراطی رفتاری مورد توجه والدین و خارج از ظرفیت و توانایی کودک است. برای نمونه برخی از والدین، فرزند خود را مجبور به ادامه تحصیل در رشته ای می کنند که دستیابی به آن از آمل دست نیافتنی او در زندگی بوده و این در حالی است که فرزند هیچ تمایلی به تحصیل در آن رشته ندارد. در خانواده هایی با چند فرزند، هر يك از فرزندان فرصت برآورده کردن یکی از آرزوهای والدین را دارند، در صورتی که در خانه های تک فرزند تمام آمل و آرزوهای والدین و حتی پدر بزرگ و مادر بزرگ باید در يك کودک تجلی پیدا کرده و این مسئله تبعات و آسیب های روانی متعددی را به دنبال خواهد داشت.

۱۴- تک فرزندان، آسیب پذیرتر از سایر کودکان: بروز ناهنجاری های رفتاری در تک فرزندان بسیار قابل توجه است. گرایش به انزوا، افسردگی، ضعف در برقراری ارتباط با همسالان، توجه بیش از حد به بازی های رایانه ای و انفرادی، ترس یا تنفر از حضور در گروه های اجتماعی از جمله خصوصیات تک فرزندان است. کودکانی که تک اولاد خانواده هستند اغلب خجالتی و غیر اجتماعی بار می آیند و چنان وابسته به مادرشان بزرگ می شوند که حتی نمی توانند برای لحظاتی از مادر جدا شده و در کانون و گروه های دوستانه ارتباط گیری موفق داشته باشند و این امر آنها را در دوره نوجوانی مستعد افسردگی و انزوا طلبی بیشتر می کند. گاهی دیده شده است که کودکی در پارک، گوشه ای ایستاده است و گویی انتظار می کشد تا بچه ها از اطراف اسباب بازی مورد نظر وی دور شده تا او وارد محیط بازی شود! این گونه بچه ها اکثر تک فرزند بوده و مفاهیمی مانند مشارکت، پیروزی، شکست و حتی دوستی و قهر را تجربه نکرده اند. به نظر می رسد آنها اعتماد به نفس لازم برای دوست یابی ندارند و در بازی های کودکانه همیشه مدعی و صاحب رای هستند. بازتاب اینگونه رفتاری کودکانه در نظر مادر و پدر آن کودک بوی از حسادت دارد؛ در حالیکه چنین نیست و کودک آنها فقط در کسب مهارت های اجتماعی ضعیف است. زندگی در کنار برادر یا خواهر روحیه جامعه گرایی کودک را تقویت می کند و مدیریت در روابط اجتماعی را به وی می آموزد. هم دلی و هم سویی با افراد خانواده، عشق ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم سن در جامعه و مدرسه را اصلی ترین ویژگی های فرزندان خانواده های دارای بیش از یک فرزند می داند.

۱۵- تک فرزندان با دنیای کودکی زود خداحافظی می کنند: دوران کودکی که دوران سرخوشی و صداقت و تجربه بسیاری از احساسات لطیف فارغ از مشکلات و دغدغه های بزرگسالی است؛ برای تک فرزند خانواده به سرعت پایان می پذیرد. کودکی که تک فرزند خانواده است؛ در حالی که در خانه اعتماد به نفس و جایگاه تسخیر ناپذیری دارد؛ اما در انجام بیشتر امور خود حتی گاهی کارهای شخصی، وابستگی شدید به اطرافیان پیدا کرده و این وابستگی آنها را از پرورش خلاقیت دور می کند. کودکانی که در خانواده های تک فرزند رشد می کنند، به علت بهره مندی از تجربه ارتباط مداوم با افراد بالغ و تقلید از آنها، بلوغ زودرس داشته، اما در زمینه های علمی و تحصیلی در مقایسه با همسالان خود، پیشرفت بهتری دارند.

۱۶- رفاه زدگی ثمره تلخ تک فرزندی: کودکان تک فرزند اگر چه از امکانات رفاهی زیادی برخوردار هستند، در واقع چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ عاطفی غنی محسوب می شوند. اما برخی از آنها با توجه به اینکه انتظاراتشان بی حد و حصر برآورده شده؛ هیچ گاه از آن چه دارند برای مدت طولانی احساس رضایت ندارند! و دچار رفاه زدگی می شوند، این خصیصه شاید امری متقابل باشد! مادر و پدری که تمام سعی و تلاش خود را در جهت تربیت و رفاه تک فرزند خود کرده اند تمامی آرزو و انتظارات خود را از او مطالبه می کنند تا جایی که شاید آن انتظارات از عهده کودک یا نوجوان بر نیاید یا اینکه آرزو و خواسته آنها آرزو ها و خواسته های او نباشد از این رو سرخورده و نگران خواهد بود.

۱۷- تک فرزندی و کاهش رشد اجتماعی: روابط اجتماعی در خانواده های کم جمعیت نسبت به سایر خانواده ها کمتر است. برخی از زوجها به دلایل متعدد از جمله مسایل اقتصادی و مشکلات آینده از داشتن فرزند دوم منصرف می شوند، و تک فرزندی را ترجیح می دهند و از چند فرزندی فاصله می گیرند زیرا رسیدگی به امور یک فرزند و همچنین مراقبت و تربیت از یک فرزند ساده تر است. تک فرزندان از امکانات، مزایا و شرایط بهتری نسبت به هم سالان خود برخوردارند، فرصت ها و موقعیت ها همواره به راحتی در اختیار تک فرزندان قرار می گیرد به همین دلیل این افراد به راحتی نمی توانند در موقعیت های رقابتی خوب عمل کنند و از توانایی کمتری در این زمینه برخوردارند. اولین روابط اجتماعی از خانواده شکل می گیرد، میزان روابط اجتماعی در خانواده های تک فرزند کمتر است و در خانواده کم جمعیت تعداد و نوع روابطی که شکل می گیرد با یک خانواده پر جمعیت متفاوت است. به دلیل اینکه در محیط خانواده کم جمعیت فرآیند رقابت حتی با دیگر فرزندان ایجاد نمی شود، تک فرزندان در برخورد با محیط بیرونی و در رقابت با هم سالان خود تحمل ناملایمات و مشکلات را ندارند. تلاش والدین برای برطرف کردن تمام خواسته های فرزند در واقع آن ها را در مقابل وقایع پیش رو ناتوان و کم حوصله می کنند و از کمیت و کیفیت روابط اجتماعی فرزندان با سایر افراد کاسته می شود. مهم ترین پیامد تک فرزند بودن آسیب رسیدن به رشد اجتماعی فرد است. میزان کم تعامل و روابط اجتماعی در خانواده های کم جمعیت موجب افت رشد اجتماعی تک فرزندان می شود.

۱۸- حمایت و کنترل بیش از حد، فرزند را ناتوان می کند: هر چه میزان حمایت والدین از فرزند بیشتر باشد، تحمل و قدرت کودک در برخورد با مشکلات کاهش می یابد و این کودکان اغلب در برخورد با مشکلات آسیب پذیرترند. اگر چه تک فرزندی مزایا و امکانات قابل توجهی برای کودک نسبت به هم سالان خود فراهم می کند، اما والدین باید در نظر داشته باشند حمایت و کنترل بیش از حد فرزند را ناتوان می کند و در آینده با مشکلات بیشتری مواجه می شود.

۱۹- تک فرزندان انسان هایی متوقع و کم تحمل بار می آیند: بسیاری از تک فرزندان نمی توانند ناامیدی ها و فشارهای روانی را تحمل کنند. چنانچه توهینی به آنها شود، بی آنکه قصد و غرضی در کار باشد، این توهین را رفتاری عمدی و به پشتوانه نیکی خاص تفسیر می کنند. چنانچه از مساله ای رنجیده خاطر شوند، این حالت را تا مدت های مدید در درون خود زنده نگاه می دارند. آنها فقط به برقراری روابطی علاقه مندند که دربرگیرنده منافع آنان باشد و احساسات شان را نیز جریحه دار نکند. آنها ممکن است ناراحتی های خود را برای دیگران بیان نکنند و فردی درون گرا شوند.

۲۰- کودک تک فرزند؛ وابسته، آسیب پذیر و شکننده بار خواهد آمد: چیزی که در جامعه امروز ما باب شده تعداد فرزند کم و یا بهتر است بگویم تک فرزندی است، والدین تصور می کنند اگر یک فرزند داشته باشند می توانند در کنار رسیدگی بهتر به آن خود نیز زمان و فضای بیشتری در اختیار داشته باشند. این طرز تفکر تا حدود زیادی درست نیست. چرا که سرویس ها و توجهات بیش از حدی که به کودک می شود، موجب می گردد کودک وابسته، آسیب پذیر و شکننده بار بیاید و در نتیجه از بسیاری از روابط اجتماعی محروم گردد. گرچه پدر و مادر می توانند با دقت در تربیت کودک خود تا حدودی این مسئله را کاهش دهند، اما به طور کامل امکان نخواهد داشت. طبق پژوهشی که در خصوص والدین تک فرزند صورت گرفته است مشخص شده تلاش والدین برای کودکشان نه تنها کاهش نیافته و فرصت بیشتری برای خود نیافته اند، بلکه دو برابر شده است، چرا که آنها فرزند دیگری ندارند که وقتشان را صرف او کنند در نتیجه تمام وقتشان صرف تنها فرزندشان می شود.

در واقع طبق تحقیقات صورت گرفته خانواده هایی که دارای دو فرزند هستند، آن هم فرزندان دختر، نسبت به خانواده های تک فرزند، شادی بیشتری را تجربه می کنند.

هشدار آیت‌الله مکارم درباره خطر کاهش جمعیت:

تک فرزندی بلایی برای خانواده‌ها است، روانشناسان بیان می‌کنند، هرچه خانواده‌ها دارای تک فرزندی باشند، فرزند خشن و پر توقع بار می‌آید، و در آینده نیز در جامعه سرکش و خشن و مضر برای آن جامعه است. وضع جمعیت رو به خطر می‌رود و این رویه هر ساله کم شده به طوری که زیر دو دهم رسیده که یک خطر بزرگ است. از منابع معتبر آمار گرفتیم که بیان می‌کنند؛ وضع جمعیت رو به خطر می‌رود و این رویه هر ساله کم شده به طوری که زیر دو دهم رسیده که یک خطر بزرگ است. اگر همین طور جلو برود، جمعیت به سرعت کاهش پیدا کرده و نصف جمعیت سن بالایی داشته و هزینه‌های سنگین و مشکلی برای جامعه خواهد داشت و نیروی‌های جوان تولید کننده خیلی کم خواهد شد. برای این که از این وضع نجات پیدا کنیم باید افزایش فرزند داشته باشیم به گونه ای که هر خانواده ای حداقل باید سه فرزند داشته باشد. نباید فرزندآوری را شوخی گرفت، زمانی را باید به یاد آورد که جمعیت نوزده میلیون شود، متأسفانه این آسیب بر اثر تبلیغات سوء و سیاست آمریکایی، اروپایی و اسرائیلی مبنی بر عدم رشد کشورهای جهان سومی بوده است. غربی‌ها با تبلیغات خود رایگان، زنان و مردان را عقیم کرده به طوری که الان چند میلیون زن و مرد، عقیم مصنوعی در جامعه وجود دارد. متأسفانه فریب غربی‌ها را خوردیم، من علناً عرض می‌کنم طبیعی که مخفیانه این کار را انجام می‌دهد، جنایت کرده و باید تحت تعقیب قرار گیرد. باید عواملی را که جامعه را به این جا کشانده مورد بررسی قرار گیرد و عوامل تشویقی را نیز در نظر گرفته شود. همیشه درد را بیان می‌کنیم باید ریشه‌های درد و درمان را در نظر گرفته و مورد توجه قرار گیرد الان وظیفه شرعی است. تک فرزندی بلایی برای خانواده‌ها است، روانشناسان بیان می‌کنند، هرچه خانواده‌ها دارای تک فرزندی باشند، فرزند خشن و پر توقع بار می‌آید، و در آینده نیز در جامعه سرکش و خشن و مضر برای آن جامعه است. باید فرزندآوری را به عنوان وظیفه شرعی دانست، هرچه قدر فرزندآوری کم شود جامعه پیر می‌شود، و افراد مسن نیز بازدهی کم، هزینه زیادی برای جامعه و آفت بزرگ است. مساله فرزند آوری جدی است که باید به مردم برسانند و مردم را با وظیفه شرعی آشنا کرد. یکی از اصحاب نزد امام هادی (علیه السلام) فرزند خود را سرزنش کرد که امام (علیه السلام) در واکنش به عمل این شخص فرمودند: نافرمانی و بد بودن فرزندان مانند کسی است که فرزند خود را از دست داده باشد، که باید در رابطه با ارتباط والدین با فرزندان صحبت شود. در عصر کنونی ارتباط خیلی از والدین با فرزندان بهم خورده و ارتباط خوبی با هم ندارند. تفاوت فرهنگی بین پدر و مادر و فرزندان موجب شده که همدیگر را خوب درک نکنند، این در حالی است که اگر همدیگر را تحمل کنند، مشکلات حل خواهد شد. مطلق نگرانی از طرف والدین و فرزندان موجب اختلاف آنها می‌شود، قرآن کریم در خصوص احترام پدر و مادر سنگ تمام گذاشته است. بعد از عبودیت و پرستش خدا نیکی به پدر مادر مورد تاکید قرآن است. در برابر پدر مادر تواضع و کوچکی از خود نشان دادن باید در راس کارهای فرزندان باشد، حتی پدر و مادرانی که از دنیا رفته باید مورد توجه فرزندان قرار گیرند. انسان نباید فراموش کند، روزی خود پدر یا مادر خواهد شد، همان انتظاری که از فرزندان دارند، باید با پدر و مادر خود داشته باشند و این را نیز بدانند کسانی که با پدران خود سخت گیری کنند گرفتار بد رفتاری فرزندان خود می‌شوند. والدین در امر ازدواج فرزندان نباید سخت گیری کنند، نمی‌شود انتظار معدل بیست را از یک شخص داشت، باید با مدارا و گرفتن قدر مشترکات بتوانند به راحتی زندگی کنند. امیدواریم کسانی که تبلیغ می‌روند این مسایل را برای خانواده‌ها مطرح کنند.

نتیجه:

از منظر روانشناسی کدام یک مناسب‌تر است؟

گرچه در مباحث جمعیت شناختی غالباً به آسیب‌هایی اشاره می‌شود که از ترکیب فقر و پر جمعیت بودن خانواده‌ها نشأت می‌گیرد، اما در این بین به آسیبهای اخلاقی و تربیتی که متوجه خانواده‌های کم جمعیت به ویژه تک‌فرزند است و همچنین به منافع و فوایدی که در خانواده‌های پر جمعیت وجود دارد، دقت نمی‌شود.

البته ترکیب رفاه و تک‌فرزندی هم خود مقوله‌ای است که می‌تواند باعث بروز مشکلات فراوانی شود. این مشکلات هم در مطالعات خانواده قابل توجه‌اند و هم در مطالعات اجتماعی که در این گزارش مجال پرداختن به تمام ابعاد آن نیست.

در کنار والدینی که معتقد به تعداد فرزندان کم هستند، تعدادی از والدین هم نگرانند که در صورت تک‌فرزند داشتن، فرزندشان از مزایایی در زندگی محروم شوند.

در سال ۱۳۸۳/۲۰۰۴ مطالعه‌ای بر روی کودکان حدود ۵ ساله انجام و اعلام شد کودکانی که خواهر یا برادر ندارند در مقایسه با کودکان هم سن و سال خود که تک‌فرزند نیستند مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی ضعیف‌تری دارند و این موجب شد نگرانی‌ها

افزایش یابد. البته در مطالعه جدیدی که به تازگی صورت گرفته مشخص شده است که این تفاوت با بزرگتر شدن کودکان تا حدودی برطرف می‌شود، اما همچنان اثرش به طور کم‌رنگ باقی است.

در حقیقت محققین این پدیده را چنین توجیح می‌کنند که آموختن مهارت‌های اجتماعی مانند مسیری است که داشتن خواهر و برادر حرکت در این مسیر را سریع‌تر و آسان‌تر می‌سازد و برای ادامه مسیر، ارتباط با همسالان برای کودکان بسیار ضروری است، تا بتوانند مهارت‌های اجتماعی لازم را بیاموزند.

در هر حال این امر قابل انکار نیست که تک‌فرزندی بر رفتار والدین و همین‌طور کودکان تأثیر فراوانی دارد، همان‌طور که خود ما نیز در اطراف‌مان گاهی شاهد این امر هستیم که کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند در طیفی از خواسته‌های بی‌پایان خود رشد می‌کنند و این در حالی است که همه یا اکثر خواسته‌هایشان هم اجابت می‌شود!

شاید شما هم شاهد این مسئله بوده‌اید که در اکثر موارد مفاهیم اخلاقی مثل قناعت، ایثار، گذشت برای دیگری، تلاش برای استقلال شخصیت به گونه‌ای مسئولانه در این کودکان تجربه نمی‌شود و این امر خود جای تأمل دارد، چرا که فرزندان ما پدران و مادران فردای این سرزمین هستند و باید خود نیز پرورش دهنده کودکان آینده باشند.

در واقع انتخاب تعداد فرزندان از سوی خانواده‌ها باید بر اساس سه اصل آزادی، آگاهی و مسئولیت باشد و والدین با توافق و در نظر گرفتن تمامی جوانب دست به انتخاب بزنند.

با تمام این تفاسیر از نظر پزشکی زمان باروری زن ۱۸ تا ۳۵ سال است و این در حالی است که در جامعه ما تعداد کمی از دختران در سن ۱۸ سالگی تن به ازدواج می‌دهند و میانگین سن ازدواج ۲۲ سال است. همچنین فاصله سنی مناسب بین کودکان نیز باید ۳ تا ۵ سال باشد، در نتیجه زمان برای فرزندآوری نیز کمتر می‌شود.

در حال حاضر به دلیل اشتغال مادران میزان فرزندآوری کاهش پیدا کرده است و این مسئله را می‌توان امری جدی قلمداد کرد، گرچه این امر دارای معایب و فوایدی هم هست، اما کم اثر کردن معایب آن کار آسانی نیست؛ گرچه به طور قطع در روانشناسی مطرح نشده که چه تعداد فرزند مناسب است.